

بررسی نقش هویت اسلامی در ساخت مسکن و محلات مسکونی

شهرام علمی فرد^۱

چکیده

تاریخ معماری و شهرسازی اسلامی مبین این مطلب است که مسکن و محلات مسکونی علاوه بر ساختار کالبدی خود، مفاهیم و معانی والایی را به همراه داشته است. در شهر اسلامی ضمن پاسخگویی به نیازهای مادی، بستر آرامش معنوی و توجه به نیازهای روحی انسان چون امنیت، عبادت و حیات جمعی نیز فراهم شده و رفتارهای فردی در بطن رفتارهای اجتماعی تعریف و تبیین می‌شد. اما به تبع پیامدهای زندگی مدرن و تغییر در ساختار رفتارهای انسانی، آسیب‌ها و عوامل مخربی مفاهیم زندگی جاری در مسکن و محله را تحت تاثیر و تنزل قرار داد. مقاله‌ی حاضر ضمن مرور مفاهیم ارزشمند زندگی در خانه و محله‌ی اسلامی، آثار و نتایج بی‌توجهی به هویت اسلامی در شهرسازی معاصر را بررسی و تحلیل کرده و دستمایه‌ای برای تقویت مفاهیم والای سکونت ارائه خواهد داد. روش تحقیق، ترکیبی از روش‌های تفسیری-تاریخی و علی و معلولی بوده که با توصیف و تحلیل بیان گردیده است. نتیجه اینکه عوامل مختلفی سبب تنزل کیفیت سکونت در شهرسازی سال‌های اخیر گردیده که از آن جمله می‌توان به کم‌رنگ شدن اصالت و احساس تعلق به خانه و محله، بی‌توجهی به مفهوم حریم در سکونت و تضعیف امنیت در محلات و فقدان آرامش روحی در مسکن اشاره کرد.

کلمات کلیدی: هویت اسلامی، مسکن، محله، شهرسازی اسلامی، سکونت

مقدمه:

بی توجهی به هویت اسلامی در مسکن و محله در شهرسازی امروز ارائه و تحلیل گردیده است. در این میان سعی بر این بوده که بر آثار مثبت و نقش ویژه مفاهیم متعالی سکونت اسلامی در بهبود وضعیت مسکن و محللات نیز اشاراتی صورت گیرد. لیکن ارائه ضوابط و یا نظریه در این خصوص قطعاً نیاز به مطالعاتی بسیط و بررسی همه جانبه عوامل موثر بر جریان زندگی در شهر را خواهد داشت.

۱- تعریف هویت و مفاهیم هویت اسلامی

هویت در لغت به معانی متعددی به کار رفته است. در فرهنگ دهخدا هویت به معنای تشخیص آمده (فرهنگ دهخدا، ج ۱۴، ۲۰۸۸۶) و در فرهنگ معین به معنی هستی و وجود و سبب شناسایی شخص. (فرهنگ معین، ج ۴، ۵۲۲۸) واژه «هویت» مرکب از «هو+یت» مصدری عربی است که از چه بودن «هو» یا او و در مقام پاسخ به پرسش «ما هو؟» یعنی «آن چیست؟» سخن به میان می آورد.

هویت در نگرش فلسفی به «هستی و وجود» تعبیر می شود و در معنای عامیانه و عمومی به معنای «ماهیت یا تشخیص» به کار می رود. (نقره کار، ۱۳۸۷: ۵۴). در نتیجه هویت آنست که چیستی و موجبات شناسایی و فهم را پدید می آورد. نقره کار هویت انسان را در دو مرتبه «مادی» و «معنوی» طبقه بندی و آن دو را مکمل هم معرفی کرده و نقش اراده آدمی را در مرتبه دوم به مراتب قوی تر می داند. (همان، ۵۵) لینچ در کتاب شکل خوب شهر، هویت را به معنای «مکان» تعریف می کند و معتقد است هویت یعنی حدی که شخص می تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان ها مورد شناسایی قرار دهد، به گونه ای که شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد. (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۰۵) در نگاهی دیگر؛ تشخیص هویت در واقع نوعی ارزش گذاری و یا تعیین کیفیت است که با اندوخته های ذهنی فرد ارتباط کامل دارد. (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۰) همچنین هویت مجموعه ای از

یکی از وظایف و تعاریف ابتدایی مسکن با هدف محافظت فیزیکی انسان تا حد «پناهگاه» و حتی «جان پناه» نزول پیدا می یابد، لیکن باید دانست که مسکن تنها برای بقا و زنده ماندن نبوده و شیوه زندگی حتی هستی و ایدئولوژی انسان را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. مسکن علاوه بر بستر فیزیکی و مادی نقش موثری بر تکامل روح و حضور معنوی انسان و در واقع سعادت او دارد. اما متأسفانه در زندگی امروز نوعی تحول و انفصال در جسم و جان معماری خانه ها پدید آمده که پیوستگی و ژرف معنایی حیات را خدشه دار کرده و روح زندگی جاری در خانه را متلاطم ساخته است. بر همین سو همزمان با تحول در شکل و ماهیت شهرنشینی به ویژه پس از انقلاب صنعتی در کشورهای اسلامی، محله های شهری نیز تابع تحولاتی در کالبد و روبروب اجتماعی و فرهنگی شدند. محله های امروزی نه چون سابق از نظام ارتباطی و عملکردی پیشین خود تبعیت کرده اند و نه از روابط اجتماعی بین ساکنان محله چندان اثری به جا مانده؛ در وضع کنونی به خصوص در کلان شهرهای کشور، ساکنین محللات چندان دخالتی در اداره امور محله خود ندارند و در نتیجه هویت محللات رو به نابودی است. باید پذیرفت خانه هایی که روزگاری محل آرامش و استراحت و خلوتگاه افراد و محللاتی که در آن درون از برون و محرم از نامحرم و آشنا از غریبه متمایز و همسایگی و هم محله ای در آن متعارف بود، در حال فروپاشی و فراموشی است. سلیقه های شخصی، توانائی های مالی و ذهنیت ها و ژست های مدرنیستی بعضاً آسیب های جدی به ساختار کالبدی و محتوایی محللات و خانه ها وارد ساخته است. هدف از این مقاله، بازخوانی مفاهیم زندگی ارزشمند در خانه و محله اسلامی و تحلیل تبعات بی توجهی به هویت اسلامی در مسکن و محله امروز با نگاهی آسیب شناسانه است؛ بر این اساس، ابتدا اندکی به مفاهیم هویت اسلامی پرداخته ایم، در ادامه شاخصه های مسکن و محله در معماری و شهرسازی اسلامی بررسی و سپس آثار

برای زندگی مفهومی عمیق و والا قائل است. از دید این جامعه زندگی هدیه‌ی ارزشمند خداوند متعال بوده و انسان که به زبان و اندیشه از دیگر جانداران متمایز شده، مقامی والا و ارزشمند دارد و در قبال رفتار و اعمال خود مسئول است. در تفکر اسلامی زندگی وسیله‌ای برای تقرب به خداست. هویت اجتماعی در این جامعه منسجم و یکپارچه بوده و اعضای این جامعه چون اعضای یک خانواده‌اند که می‌بایست در زندگی با یکدیگر تعامل داشته باشند و به دیگر اعضای جامعه یاری رسانند. در مفاهیم اسلامی، انسان صرفاً به منزله‌ی «فرد» نیست بلکه رابطه‌ی او با جمع و امتی که در آن زندگی می‌کند، وجهی اساسی از هویت انسان را نشان می‌دهد. لذا در نگرش اسلامی، انسان موجودی اجتماعی بوده و نسبت به جمع و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بی‌اراده و بی‌مسئولیت نیست. این هویت اجتماعی، چیزی از پیش تعیین شده نیست، بلکه انسان‌ها در شبکه‌ای از روابط با یکدیگر آن را می‌سازند.

۲- مروری بر شاخصه‌ها و مفاهیم مسکن و محله در شهر اسلامی

شهر، مهم‌ترین عرصه‌ی زیست انسان و بزرگ‌ترین سلول تمدنی است و مطالعه تأثیر و تأثر این عرصه جایگاه ویژه‌ای دارد. امروزه مسأله‌ی مهم این است که در جامعه اسلامی بسیاری از سنت‌های اسلامی در شهرسازی مورد غفلت واقع شده و شهرها رنگ و جلوه‌ی غربی به خود گرفته‌اند. با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران می‌توان بسیاری از عناصر و اجزای شهری که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات زندگی شهری دارند را مشاهده کرد. (ضرابی و علی‌نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۱۶) آنچه بدیهی است در نظام و ساختار شهر اسلامی تجلی فرهنگ و عقاید اسلامی را در صورت و معنای شهر و اجزایش می‌توان جستجو کرد. به عبارت دیگر بعد کالبدی، روانی و رفتاری شهر اسلامی مبین و معرف آداب و ایدئولوژی اسلامی است. در نتیجه با بررسی اجزاء و سلول‌های شهر

صفات و مشخصات است که باعث تشخیص یک فرد از افراد و یا یک شیء از اشیای دیگر می‌باشد. (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۲)

از منظر شهرسازی، در فرآیند تکوین هویت آشکار و پنهان شهر، عناصر و عوامل گوناگونی دخالت دارند. هویت شهری مقوله‌ی پیچیده‌ای است که در آن تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مردم‌شناسی و بسیاری از دانش‌های دیگر نیز موثر و متأثرند. ساخته‌های بشری بیش از آنکه مصالح و شیوه‌های ساخت را نشان دهد، تفکر و هویت سازندگان را اظهار می‌کند؛ لذا شهر و فضاهای شهری شاخصی از هویت سازندگان و ساکنان آن شهر را بیان می‌کند و هویت شهر، برآیند همه نیروهای است که شهر را به عرصه‌ی کالبدی- اجتماعی منسجم تبدیل می‌کند. در نتیجه شهر با هویت، نمود انسان با هویت است.

هویت دینی یکی از انواع هویت بوده و شامل مجموعه‌ای از باورها و اعمالی است که فرد یا جامعه در ارتباط با سنت‌ها و مراسم که جنبه‌ی ایمانی دارد به اجرا می‌گذارد. (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۲). بر این اساس هویت اسلامی که یکی از اقسام هویت دینی است، امری است نهادینه در وجود ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا و ریشه در سنت و آیین پیامبر اکرم (ص)، قرآن کریم و نیز اهل بیت علیهم السلام دارد. (قالیباف و پور موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۲) دین به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن بشری نقش اساسی در تکوین هویت انسان‌ها دارد. هویت اسلامی اعتقاد و احساسی مشترک نسبت به خدا، قرآن و اصولی مشترک در میان جمعی از انسان‌ها است که آن‌ها را از سایر ادیان متمایز ساخته و مناسبات آن‌ها را با ادیان دیگر شکل می‌دهد. هویت، در جامعه‌ی اسلامی که در آن محور، دستورات الهی و تعالیم اسلامی است با جامعه‌ای که در آن ماده‌گرایی و توجه به زندگی دنیوی حاکم است تفاوت دارد. جامعه‌ی نخست،

لَكَ لَأَمٍ مِنْ بِيوتِكَ لَأَمٍ سَكَنًا. (نحل، آیه ۸۰) و خداوند خانه‌هایتان را مایه‌ی آرامش برای شما قرار داد. اسم مکان از صفت سکون، یعنی مسکن چندین مرتبه در قرآن آمده و برای این که خانه‌ها به واقع مظهر و مایه‌ی آرامش شوند، معماران گذشته تدابیر گوناگونی را در کار داشته‌اند. (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸)

پیرنیا معتقد است: «خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود.» (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۵۴)

رسول اسلام فرموده‌اند: «حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند و جریان هوا را بر وی مسدود نکنند.» (پاینده، ۱۳۶۲: ۲۹۱) مسکن والا در همسایگی‌های خود نیز تواضع را رعایت می‌کند و در هماهنگی با نظم شهر اسلامی چه از لحاظ قرارگیری، مکان‌یابی و پیش‌آمدگی‌ها و چه از لحاظ رنگ، آمودها و مانند آن در توازن قرار دارد. (وثیق و پشوتی‌زاده، ۱۳۸۹، ۶۱)

خداوند، شهری که در طراحی آن باغ و بوستان و به طور کلی طبیعت دیده شده باشد را شهری «طیب» نامیده و سکونتگاهی که در باغ باشد را نعمتی الهی برمی‌شمرد. (سبا، آیه ۱۵) (همان: ۵۹) همچنین سکونتگاه اولیه‌ی بشر به صورت باغ معرفی شده است. (بقره، آیه ۳۵) و لذا در اصول معماری اسلامی، توجه خاصی به بهره‌گیری از عناصر طبیعی در ساخت مسکن شده است. معمار اسلامی، حتی اگر خانه کوچک و ساده باشد، باز هم می‌کوشد که آن را با طبیعت همراه کند. خصوصاً این وفق بین طبیعت و کالبد در خانه‌های اقلیم گرم و خشک با رونقی ویژه و کامل‌تر نمود یافته و بدین سبب است که آب چه به صورت روان و چه ساکن و باغچه با فضای سبز و درختانش همراه و همنشین همیشگی جسم و جان معماری خانه‌های اسلامی بوده و به تبع این حضور و در

اسلامی می‌بایست مفاهیم و آموزه‌های دین اسلام در کالبد و روح اجزاء و آثار معماری و شهرسازی بیان و در نگاهی عمیق‌تر ردیابی و آشکار گردد. مسکن و محله دو جزء اصلی شکل‌دهنده شهر اسلامی است. به عبارت دیگر شهر اسلامی مجموعه‌ای است از محللات مسکونی متجانس و بناهای عمومی یا حکومتی در مقیاس‌های خرد و کلان شهری. باید اشاره کرد که در قدیم شاخصه‌های مشترک در یک محله چون زبان، مذهب، حرفه و قومیت و تفاوت‌های یک محله با سایر محللات معرف و مبین ارتباطات محللات به شمار می‌رفت که البته می‌بایست ویژگی خاص این محللات را در برقراری روابط، پیوستگی و مشارکت مدام محلی و همبستگی اجتماعی دانست. اما غفلت و بی‌توجهی به شاخصه‌های اصیل محله در سال‌های اخیر مشکلات فراوانی را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پدید آورده است. این بدعت در نظام ساخت و شکل‌گیری شهرها در ساخت مسکن نیز تاثیر واضح و مخربی گذارده است. در این بخش به مرور و بازخوانی مفاهیم و مشخصه‌های مسکن و محله در شهر اسلامی می‌پردازیم.

۲-۱- مفهوم مسکن در شهر اسلامی

«مَسْكَن» اسم مکان است بر وزن مَفْعَل، به معنای محل آرامش و سکونت که از ریشه‌ی «سکن» به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی گفته می‌شود که انسان‌ها یا به بیان بهتر خانواده در آن زندگی می‌کنند. در لغت نامه‌ی دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام و (دهخدا، ۱۳۳۶)

مسکن فضای رسیدن انسان به آرامش است. در قرآن نیز واژه مسکن به معنی جایی که در آن آرامش باشد، آمده است. (الانعام، آیات ۱۳ و ۹۶) در تمدن اسلامی صفتی از خانه که در عمل، خانه‌ها با توجه به آن شکل گرفته‌اند، سکون و آرامش است، وَ اللَّهُ جُعِلَ



روح و وجود آدمی است. البته این آزادی شان و تعریفی خاص دارد. مفهوم این آزادی در گروهی عدم سلب آزادی از دیگران است که این مهم به تبع تنوع در فضا و رفتارهای وابسته به آن پدید می‌آید. بدین معنی که در خانه‌ی اسلامی برای همه چیز و همه کس تفکری پاسخگو و کالبد و معنایی خاص وجود دارد. این بدان معناست که خانه‌ی اسلامی که بر مبنای معماری و شهرسازی اسلامی بنا شده ویژگی‌هایی دارد که پاسخگوی جمیع نیازهای روحی-روانی و جسمی و مادی انسان‌ها است و معمار به دنبال تجلی صفات بهشتی در محیط خانه‌ی اسلامی و به تبع آن تعالی و تکامل اخلاقیات انسانی و صفات الهی در آن محیط است.

۲-۲- مروری بر مفهوم «محلّه» در شهر

اسلامی

شهرها به عنوان مجموعه‌ی یکپارچه‌ی زیستی از اجزاء گوناگونی تشکیل شده‌اند که در تعامل با یکدیگر یک کلیت واحد را به وجود می‌آورند. یکی از مهمترین این اجزاء یا به عبارت دیگر مجامع زیستی انسانی که در ساختار شکل‌گیری شهرها در طول تاریخ به خصوص در شهرهای اسلامی نقش عمده‌ای داشته، «محلّه» است. بنا به تعریف کوین لینچ محلّه قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیتی یکدست و مشابه باشد. (لینچ، ۱۳۷۴: ۱۲۳) در تعریفی دیگر که با روح ایرانی محلّه سازگاری بیشتری دارد، محلّه از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید. در این تعریف محلّه، متشکل از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیائی خاص است که خانواده‌ها نسبت به محلّه خود احساسی مشابه خانه‌ی مسکونی خود دارند که با ورود به محلّه، خود را در یک محیط آشنا و مانوس می‌یابند. (شکویی، ۱۳۷۲: ۴۸) در تعریفی مشابه، محلّه واحدهای فضایی مشخصی است که محدوده‌ی آنها تنها

جهت آسایش و آرامش انسان است که بهره‌مندی مطلوب و بهینه از مواهب طبیعی چون تابش، باد و نور از مهمترین شاخصه‌های معماری مسکن اسلامی به شمار می‌روند. فضاهای نیمه باز چون ایوان و توجّه به دید و منظر و نقش کلیدی حیاط در ساماندهی و چینش سایر فضاها و مصداق‌های فراوان دیگر همه دلیلی بر اهمیت حضور طبیعت در مسکن اسلامی بوده است.

به اعتقاد مسلمانان، هنر زمانی به کمال می‌رسد که صورت آن معنایی برگرفته از تعالیم و قوانین الهی داشته باشد. در معماری و شهرسازی اسلامی نیز با شناخت انسان و نیازهای او از یک سو و شناخت باورها و اعتقاداتش از سوی دیگر و بر پایه‌ی تعالیم دین مبین اسلام، تدابیری خلق شده است که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در ایجاد محرمت، پرهیز از مزاحمت و مشرفیت، رعایت تناسب و هندسه، ایجاد آرامش و امنیت و در توجّه به فضاهای متنوع زیستی در ساخت خانه‌ها مشاهده کرد. در خانه‌ی سنتی، به علت توجّه به همین ارزش‌ها و پابندی به ریشه‌ها و اصول اسلامی، شکل و محتوای زندگی در صورت و معنای معماری سنتی نیز تجلی می‌یافت. در واقع باید گفت که خانه یا مسکن هم سازه‌ای کالبدی است برای امنیت و محافظت انسان و هم نهادی معنوی برای آرامش درونی و ارتقای ارزش‌های معنوی او که در لوای آن بتواند به کمال انسانی نائل گردد.

بدین ترتیب در اسلام و قرآن تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و جایگاه مسکن و اهداف مادی و معنوی آن شده است و کالبد مادی مسکن همچون ظرفی برای زندگی اسلامی و مفاهیم والای خلقت برشمرده می‌شود. مسکن اسلامی جایست که آرامش معنوی را در خود می‌پروراند و به واسطه‌ی آن موجبات تلطیف و معنویت فضای زندگی و بستر پاسخگویی به نیازهای روحی انسان، چون تفکر، عبادت و آرامش قلب را فراهم می‌سازد. در معماری اسلامی هدف تأمین آرامش و آزادی اهالی خانه و تعالی

همگن کالبدی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر در امور محل زندگی شان مشارکت دارند.

۳- آثار بی توجهی به هویت اسلامی در مسکن و محلات مسکونی در شهرسازی معاصر

در چند دهه اخیر، شهرها منبعث از اندیشه جهانی شدن، دستخوش تغییرات متعددی در حوزه‌های مختلف گردیده‌اند. در این روند، رابطه فضاهای شهری و خاطرات تاریخی و جمعی و ارتباط میان انسان و محیط، کمرنگ شده است. انفصال پدید آمده ارتباط بین کالبد و رفتارهای اجتماعی را بسیار کاهش داده است. به عبارت دیگر از تاثیر و اثر انسان و محیط بر یکدیگر کاسته شده و به واسطه این جدایی، اجزاء شهری از جمله مسکن و محله، دیگر در تعامل با انسان، امکان کمتری برای برقراری حس تعلق به مکان و محیط زندگی یافته‌اند و از آنجا که حس تعلق ارتباط تنگاتنگی با رفتارهای اجتماعی دارد، با گسست پدید آمده بین انسان و محیط زندگی، از روابط و اشتراکات جمعی بسیار کاسته شده است. علاوه بر آن تغییرات پدید آمده در کالبد محیط و رفتارهای فردی و اجتماعی، مفاهیمی چون سلسله مراتب و حریم و امنیت روانی و اجتماعی را تحت تاثیر جدی قرار داده است. در این بخش به برخی تبعات بی توجهی به هویت اسلامی در ساخت و سازهای شهری که به پدید آمدن مسکن و محله نامطلوب و نازل منجر شده است، خواهیم پرداخت.

۳-۱- کمرنگ شدن مفهوم اصالت و وابستگی به مکان در مسکن و محله

۳-۱-۱- تضعیف حس تعلق و مفهوم هویت و اصالت در مسکن

حس تعلق به مکان به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می‌باشد و در

بوسیله ساکنان آن درک می‌شود و مردم از طریق استقرار در این محله‌ها با هم ارتباط برقرار کرده و هویت مشترک می‌یابند. (تولایی، ۱۳۷۱: ۹۵) کوثری، شهر اسلامی را دارای نظامی می‌داند که خرده نظام‌های فرعی تشکیل دهنده آن، محله‌ها بودند. (کوثری، ۱۳۸۶: ۴۴) باید گفت که در شهر اسلامی همبستگی‌های خانوادگی، صنفی و یا قومی باعث ایجاد همگرایی در عرصه‌های محله‌ای شده که وحدت و انسجام بیشتر محله و تعریف و تمایز آن از سایر محلات را سبب می‌شد. همچنین تعلقات صنفی و منافع مشترک صاحبان یک یا چند حرفه که در یک محله ساکن می‌شدند سبب می‌شد آن محله به نام صاحبان پیشه‌ای خاص نامیده شود؛ مانند محله نساجان در برخی شهرها چون یزد و اصفهان. (سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۲۳۶). شیخی یکی از مشخصه‌ها و ویژگی‌های محلات اسلامی را شکل‌گیری و قوام محلات شهر بر اساس یکی از شاخص‌های مطرح مانند شاخص‌های قومی-مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و یا فرهنگی می‌داند. همچنین توجه به ارتباطات روحی و روانی و تعاملات اجتماعی و آداب و مراسم مذهبی در بین ساکنان و برقراری امنیت و کنترل محله‌ها با مشارکت مردم از دیگر مشخصه‌های محلات در شهر اسلامی است. (شیخی، ۱۳۸۲: ۵۸)

به این اعتبار، محله به مفهوم فضای زیستی گروهی از انسان‌هاست که با روابط اجتماعی مشترک و انس و الفت در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. در تعبیری والاتر، محله نهادی اجتماعی است متشکل از انسان‌هایی با اهداف زیستی و اجتماعی مشترک که با تعامل در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. بر همین اساس محلات در شهرسازی اسلامی تنها مجموعه فیزیکی و کالبدی از توده و فضای مسکونی و ارتباطی متشکل از خانه و کوچه نیست، بلکه مفهومی متعالی از اجتماع انسان‌هاست که در یک ساختار

نسل‌ها در آن خانه یا در محله خویش می‌زیست و بین انسان، محیط، فرهنگ و تاریخ پیوندی مستحکم برقرار بود. برعکس امروزه خانه همانند کالایی خرید و فروش می‌شود و هر خانه و محله‌ای به عنوان سکوی پرتاب به خانه و محله‌ای گران قیمت‌تر تلقی می‌گردد. (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۰)

۳-۱-۲- تضعیف حس تعلق و مفاهیم هویت در محله

باید اشاره کرد که در شهر اسلامی، محله نیز بر اساس اشتراکاتی چون اشتراک زبانی، قومی، دینی، مذهبی، صنفی و پیشه‌ای شکل گرفته و قوام و انسجام می‌یافت و محله‌های سنتی به لحاظ عملکردی از استقلال نسبی برخوردار بودند. (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴) در چنین محلاتی، ارتباط همسایگان با حس تعاون و همیاری بیشتری همراه است. معاشرت با همسایگان، نوعی رفتار اجتماعی را به نمایش می‌گذارد که اگر با رعایت اخلاق و آداب و ارتباطاتی اسلامی انجام شود، موجب همبستگی و وحدت اجتماعی خواهد شد. کیانی معتقد است در تبیین و انسجام این ارتباط، ابنیه محلی از جمله مسجد، آب انبار و بازار محله و مراکزی چون قهوه‌خانه و زورخانه محله و حتی کوچه‌ها و مراکز محلات از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. به عقیده وی «هم‌محله‌ای» بودن برای ساکنان محل نوعی ارزش مبتنی بر اشتراکات و تعهدات به شمار می‌آید؛ بطوریکه سبب برقراری حس حمایت از سایر هم‌محله‌ای‌ها در افراد می‌شد. (کیانی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۶۹)

اما در مفهوم امروزی محله‌های شهری، اشتراکات مذکور تا حدود زیادی اهمیت خود را از دست داده و اشتراک در توان مالی و در مورد محله‌های مساکن کارمندی، اشتراک شغلی، باعث همجواری و نه همسایگی ساکنین در محله‌ها می‌گردد. در چنین محله‌هایی به دلیل فقدان اشتراکات عمیق و ریشه دار میان ساکنین، احساس تعلق مکانی و انسجام اجتماعی

نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دلبستگی را شکل می‌دهد. (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹) کثیری از صاحب‌نظران معتقدند تعلق به مکان با طولانی شدن مدت سکونت فرد در یک محل افزایش می‌یابد، به ویژه هنگامی که فرد در جایی زندگی می‌کند که در آن متولد نیز شده باشد. (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰: ۲۵). جهان کودک در سال‌های نخستین زندگی او همان خانه است. این جهان کوچک بعدها به جهان خارج از خانه گره می‌خورد ولی مفهوم خانه و احساس انسان از این مفهوم تا پایان عمر پابرجاست. (براتی، ۱۳۸۲: ۵۳) در نتیجه استمرار سکونت در یک خانه، عامل مهمی در ایجاد تعلق به مکان می‌باشد.

در قدیم عموماً سکونت در خانه‌ها دوام بیشتری داشته و به ندرت خانواده از خانه‌ای به خانه‌ی دیگر جابجا می‌شد، بدین ترتیب چندین نسل یک خانه را تجربه کرده و حتی در یک مقطع زمانی یک خاندان متشکل از چند نسل با هم در خانه سکنی می‌گزیدند. در چنین شرایطی خانه همچون مأمنی ثابت برای فرزندان، نوه‌ها و فرزندان آن‌ها محسوب می‌شد و دیگر خانه فقط یک کالبد نبود؛ بلکه جزئی از حافظه‌ی خانواده و افراد محل و حتی مردمان شهر محسوب می‌شده و در نتیجه تاریخ زندگی خانواده با تاریخ خانه آمیخته شده بود. به بیانی دیگر هر دو به یکدیگر نوعی اعتبار می‌بخشیدند و به تعبیری شناسنامه و هویت یکدیگر بودند. در این تفکر، تعدی و تخریب خانه به منزله‌ی صدمه زدن به هویت و اعتبار خانواده بود. لذا خانه و خانواده با هم تعریف شده و با هم معنا می‌یافتند و اصالت خانه همان اصل و نسب خانواده و به تعبیری خانه میراث ماندگار مادی، معنوی و هویتی خانواده بود.

شیوه زیست و توسعه شهرها در شهرسازی اسلامی، بیانگر آن است که هر کس خانه خویش را می‌ساخت و

چالش مواجه ساخته است. در این عرصه دیگر خانه پدری و محله‌ی آبا و اجدادی و حتی شهر و سرزمین تبار و نیاکان، دیگر آن حس و حال سابق را تداعی نمی‌کند. به تعبیری خودمانی، دیگر پسر همسایه برای پیرزن محله نان نمی‌خرد، بقال محله نسیه نمی‌دهد و کودکان بازی‌های محلی را فراموش کرده‌اند.

با توجه به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور زمینه رشد برخی صنایع فراهم شد. تغییر بردارهای اقتصادی کشور و تغییرات وسیع در ساخت اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی موجب تحرک اقتصادی در شهرها شده و به تدریج خانواده‌هایی که از شرایط مادی بهتر برخوردار شده بودند، تصمیم به ترک محله‌های قدیمی و سکونت در مناطق نوساز شهر گرفتند؛ این امر موجب گردید تا محلات قدیمی و سنتی اعتبار و منزلت قبلی خود را از دست داده و محل سکونت مهاجران طبقات کم‌درآمد شهر گردند. (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲)

از طرف دیگر یکی از شاخصه‌های مدرنیته میل به داشتن خانه‌ی شخصی مستقل و جدایی‌گزینی از خانواده و خانه پدری، و محدود شدن روابط همسایگی و فامیلی است که زائیده‌ی زندگی مدرن و حواشی آن بوده و به تبع آن، اوقات پرداختن به جمع‌های خانوادگی و ارزش‌های قومی، همگی از زندگی جمعی رخت بریسته و جای خود را به اجتماع‌های جدیدی داده‌اند.

در موضع راهکار باید گفت که هر چه محله از محیط جمعی سالم‌تر و مطلوب‌تری برخوردار باشد و فضاهای محلی و مرکز محلات سامان یافته‌تر باشند، امکان تقویت فعالیت‌های محلی و مشارکت اجتماعی در آن بیشتر بوده و به واسطه آن احساس تعلق بیشتری به محله پدید خواهد آمد. دسترسی مطلوب محلی، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی منطبق با مقیاس محله، اشتراکات و منافع محلی از دیگر عوامل تقویت حس تعلق در محلات به شمار می‌آید. همچنین با تقویت کالبدی و فعالیتی مراکز محلات و با

بسیار ضعیف بوده و تضمینی برای سکونت طولانی مدت ساکنین در محله وجود ندارد. (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴)

شاید بتوان گفت که احساس وابستگی به یک محله خاص آن‌چنان رنگ باخته که اتفاقات و تحولاتی که در آن صورت می‌گیرند با نوعی بی‌تفاوتی نیز همراه شده است. اینکه در این بی‌تفاوتی نوعی جبر تاریخی نقش دارد و یا اینکه عنصر شهروند و محله‌وند هویت و انگیزه تعلق خود را به محله از دست داده، کدامیک به عنوان عامل مهم تلقی می‌شوند، مستلزم بررسی‌های موردی و میدانی وسیعی است. اما آنچه در زندگی شهری امروزی نباید از آن غافل بود، درگیری عناصر شهری در دغدغه‌های فراوان روزمره زندگی شهری است. این دغدغه‌ها جایی برای اندیشیدن به محله و همبستگی‌های مترتب بر آن برای کسی باقی نمی‌گذارد. (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۵)

امروزه اوقات زیادی از زندگی در شهر و فضاهای گوناگون شهری سپری می‌شود. با رشد مفاهیم جهانی شدن و شکل‌گیری فضاهای مجازی دیگر، مفاهیم «مکان» و «فضا» دستخوش تغییر و تحولاتی شده است. در واقع فضاهای جمعی و صمیمی جاری در زندگی سنتی جای خود را به فضاهای مجازی و شبکه‌های اینترنتی و تکنولوژی‌های ارتباطی داده است و منجر به پیدایش مفاهیم جدیدی چون «دهکده جهانی» و «شهروند جهانی» شده است. در پی این انقلاب در رفتارهای زیستی شاهد کاهش وابستگی‌های سرزمینی و عرق وطنی هستیم. چه بسیار مردمانی که در سرزمینی زاده شده و در سرزمین دیگر تحصیل کرده و یا خانواده تشکیل داده و در کشور دیگری کار می‌کنند. البته سیالیت جهان امروز و انعطاف پذیری و ارتباطات به وجود آمده در جایگاه خود می‌تواند مفید و بسیار موثر باشد؛ لیکن این موضوع به وضوح از اهمیت زادگاه و وطن کاسته و مفاهیم ملی و آئینی را با

نیازمند برنامه‌ریزی و جانمایی فضاهایی تعریف شده و منطبق بر رویکردهای ذکر شده است. فضاهایی که در مقیاس، تناسب و فرم با ساختار و مختصات محله از جمله جمعیت، معیشت، فرهنگ و آداب برگزاری مراسم و غیره تناسب و تجانس داشته باشد. چنین فضاهایی می‌بایست امکان تجمع، درنگ، تأمل و در عین حال حرکت را برای مخاطب خود فراهم آورند. در نتیجه فضاهای مناسب‌تر و معنادارتری برای نشستن، استراحت کردن، تجلی رفتارهای محلی و رویدادهای فرهنگی، اجتماعی پدید خواهد آمد. با شکل‌گیری فضاهای محلی و حاکمیت جوی صمیمی و خودمانی که البته متناسب با رفتارهای محلی باشد و با برگزاری برنامه‌های متناسب با هویت محله، ساکنان محله، حسی ذهنی و درونی در اتصال با فضا پیدا کرده و حس تعلق به مکان و هویت محلی به معنای واقعی در محلات جاری خواهد شد. فراهم شدن امکان همنشینی ساکنان محله سبب آشنایی و برقراری تعاملات بیشتر آن‌ها شده و حتی می‌تواند منجر به شکل‌گیری نهادهای مدنی در مقیاس محله و فراتر از آن گردد. بدین ترتیب می‌توان شاهد برقراری مفاهیمی چون امنیت، آرامش خاطر، هویت محلی و خاطره جمعی در محلات بود. به واسطه احساس تعلق اجتماعی پدید آمده، احساس مسئولیت و به دنبال آن مشارکت در توسعه محله و شهر تقویت می‌شود. به عبارت دیگر محله‌های شهری یکی از نهادهای خرد و ملموس شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. البته در این میان نباید از نقش مدیریت محله در ایجاد این حس تعلق برای رونق مشارکت‌های مردمی در محله و شهر غافل بود.

برگزاری برنامه‌های متناسب و با هویت، می‌توان به ارتباط و مشارکت ساکنان و بدین ترتیب بر انسجام نهاد محله افزود. به عبارت دیگر احساس تعلق اجتماعی نیز مبنای احساس مسئولیت و به دنبال آن مشارکت در توسعه محلی و شهری است. با چنین هدفی، اسماعیلی معتقد است که هر اندازه سهولت دسترسی به خدمات و تجهیزات عمومی محله‌ای با پیاده‌روی امکان‌پذیر باشد، احساس تعلق به محله در این فرایند افزایش می‌یابد و هر اندازه که دسترسی به نیازهای روزانه و تردد شهری با اتومبیل صورت گیرد و فاصله حرکت بیشتر باشد به همان اندازه احساس هویت و تعلق اجتماعی کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش میان‌رشته‌ای صورت‌گرفته در طرح ساختارشناسی هویت محله‌ای تهران نیز نشان می‌دهد که مقیاس حد فاصل خانه تا شهر، در وضعیت کلان‌شهری تهران امروز، بر کیفیت زندگی ساکنان این شهر اثرگذار است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مقیاس «نزدیکی به محل سکونت»، نقش سازنده‌ای در ارتقای کیفیت زندگی دارد و بر احساس تعلق ساکنان به مکان سکونتشان می‌افزاید. این مقیاس در هویت‌یابی آن‌ها از طریق سکونتشان در محله و شهر و ایجاد روابط اجتماعی میان آن‌ها نیز مؤثر است (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۴۲) در نتیجه سهولت دسترسی به خدمات محلی و فضاهای عمومی محله و تسهیل در حرکت پیاده در محله می‌تواند تا اندازه‌ای فعالیت‌های پیاده محور و رفتارهای اجتماعی را تقویت بخشد. همچنین با رونق مراکز محلات به نوعی رفتارهای اجتماعی و به تبع آن امنیت، نشاط و سرزندگی در زندگی ساکنان محله پررنگ‌تر خواهد شد. لذا شکل‌گیری عرصه‌های عمومی تعریف شده در محلات و احیای مجدد فعالیت‌های جمعی در آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. ضمن برقراری امکان پاسخگویی به نیازهای جمعی چون مراودات محلی و تجمع و همنشینی گروه‌های مختلف سنی، تعاملات و مناسبات جمعی در مقیاس محلی را رونق بخشیده و سبب انسجام و یکپارچگی محله خواهد شد. برقراری چنین مفهوم و عملکردی

۳-۲- تضعیف مفهوم حریم و سلسله مراتب فضایی در مسکن و محلات مسکونی

استفاده می‌شده و به همین ترتیب معابر عریض‌تر شده تا به معبر اصلی‌تر و مرکز محله متصل می‌شده است. این تمهید تاثیر بسزایی در برداشت و تلقی حسی از مفهوم حریم و خلوت در گذر از خانه به معابر تا مرکز محله داشته است. در شهر اسلامی در عموم محلات، یک مرکز محله وجود داشت. این مراکز از نظر کالبدی یا به صورت یک گشادگی در راسته و یا به صورت میدانچه در محل تقاطع چند راه بودند. در پیرامون این مراکز معمولاً تعدادی دکان برای عرضه کالاهای روزانه و هفتگی اهالی محله قرار داشت. همچنین مسجد، حمام، آب انبار و بعضی دیگر از فضاهای عمومی محله چون قهوه‌خانه و زورخانه نیز در کنار همین مراکز استقرار می‌یافت. با تعریف اصولی مفاهیم رفتاری و معنایی در محلات و استقرار عملکردهای جمعی در فضاهای مرکز محله‌ای، محلات شکل و مفهوم واقعی یک فضای نیمه عمومی (نسبت به فضای عمومی شهر) و یا به تعبیری نیمه خصوصی (نسبت به فضای خصوصی خانه) را خواهند یافت. بدین ترتیب یک سیر منطقی از فضای خصوصی خانه به عنوان فضایی آرام، دنج و کاملاً خانوادگی به فضای عمومی شهر به عنوان فضای ازدحام، تنوع و کاملاً پیچیده و همگانی نیز پدید خواهد آمد. به عبارت بهتر پس از خانه، فضایی واسطه هم در کالبد و هم در مفهوم بین خانه و شهر وجود دارد که ضمن حفظ حرائم، گذر تدریجی و ارتباط دو مفهوم و ساختار متمایز خانه و شهر را میسر و آمادگی پذیرش تغییرات حسی و ذهنی را برای فرد ممکن می‌سازد. در این حالت فضا و ساکنان محله به عنوان کالبد و انسان‌هایی آشنا حرکت از درون خانواده به برون محله را سامان بخشیده و از برخورد بی انطباق و حضور ناگهانی فرد در شهر و آشفتگی‌های آن جلوگیری می‌شود.

در مسکن اسلامی همواره ورود از بیرون به درون با سلسله مراتب حضور همراه بوده است. به عبارت دیگر ضوابط و قیودی تدریجی در گذار از فضای عمومی بیرون

در قرآن، حفظ حریم خانه جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند متعال می‌فرماید: "یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا" (نور، ۲۷) ای کسانی که ایمان آوردید، به خانه‌ی دیگران داخل نشوید مگر آنکه قبلاً آنان را آگاه سازید و بر اهل خانه سلام کنید. همچنین آمده است: "یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم (احزاب، ۵۳) ای ایمان آورندگان به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه دهد. همین‌طور آیات و احادیث مشابه دیگری نیز وجود دارد که بر تقدس حریم خانه و خانواده اشاره و تاکید دارد.

در معماری و شهرسازی اسلامی نیز توجه به حریم خانه و فضاهای آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به گفته انصاری تاکید اسلام به خصیصه پوشیدگی و حجاب در زندگی، سبب شده بود که عموماً خانه‌ها در محله اسلامی در یک ارتفاع ساخته می‌شدند و محلات شامل خانه‌هایی بودند که فضای داخلی آن‌ها از خارج قابل روئت نبود. همین‌طور کوچه‌های کم عرض و پریچ و خم و بعضاً سرپوشیده از دیگر عوامل ایجاد حریم محلات و خانه‌ها به شمار می‌آمد. (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۸) نظام راه‌ها و معابر اتصال دهنده نیز به گونه‌ای بود که هر محله از طریق یک راه اصلی به بازار شهر و یا راه اصلی منتهی به بازار متصل می‌شد و از این طریق در عین اتصال، خود را از فضای عمومی و پرتحرک شهر دور نگه می‌داشت. فضای داخلی هر محله در عین عمومی بودن، فضایی متعلق به محله و در واقع نیمه خصوصی بود، به طوری که افراد بیگانه کمتر در آن تردد و به خصوص توقف می‌کردند. گذر محلات در برخی قسمت‌ها شامل فضاهای کوچک و مسقفی بود که با یک یا دو انحناء به فضای خانه متصل می‌شد. (همان: ۲۲) شبکه ارتباطی محلات نیز پیرو همین قاعده از تناسب متفاوت برخوردار بودند. به گونه‌ای که باریک‌ترین معابر، کوچه‌های خصوصی مرتبط با یک یا چند خانه بوده که تنها به وسیله یک یا چند خانواده

مکان گیری فضاهای مختلف یک خانه نسبت به خانه های مجاور و نسبت به فضاهای عمومی، چه از نظر ارتفاع، چه از نظر فاصله، چه از نظر ارتباط بصری و حتی از نظر بویایی و شنوایی به گونه‌ای بود که کمترین امکان ارتباط بین درون و بیرون وجود داشت. به این ترتیب، نه تنها احساس امنیت به ساکنین القا می‌شد، که دیگران نیز از امکان بروز گناه یا خطا یا تجاوز به حقوق فردی دیگران مصون نگه داشته می‌شدند. پس از آن بن بست‌ها و کوی‌ها و حتی محلات بودند که با حدود تعریف شده شان امکان تجاوز نامناسب و ناخواسته به حریم خویش را تقلیل می‌داند. این حدود و حریم در بسیاری یا قریب به اتفاق موارد از طریق در و دروازه و امثال آن نبود و از طریق عناصر شناخته شده‌ای همچون پله، ساباط، چهار طاقی، یک گردش، تغییر مصالح و از این قبیل عناصر کالبدی؛ به ناظر القا و معرفی می‌شدند. (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۰)

همان‌گونه که گفتیم خانه در گذشته تجلی‌گاه امنیت و متضمن حریم در محیط خانواده بوده، اما در خانه‌های چند دهه‌ای اخیر به خصوص در کلان‌شهرها، وجوه مختلف امنیت به طور محسوسی خدشه‌دار شده است. این در حالی است که در شهرسازی امروز و در نظام غالب سکونت یعنی آپارتمان نشینی، ماهیت تعاریف و حریم‌های فوق به طور کلی متحول شده است. پدیده آپارتمان نشینی ویژگی‌های اجتماعی خاص خود را دارد؛ همسایه‌ها در کنار هم و با فاصله یک دیوار کاغذی از هم زندگی می‌کنند درحالی‌که با هم غریبه‌اند. گرچه در این نظام برخلاف خانه‌های سنتی همسایه‌ها به لحاظ مکانی و کالبدی به یکدیگر نزدیک‌اند، اما از نظر عاطفی از هم بسیار دورند. گرچه به تبع تنگناهای اقتصادی پدید آمده مردم مجبورند در خانه‌های کوچک زندگی کنند اما توجه به حریم در خانه‌سازی موضوعی بسیار اساسی است. از دیگر عوامل تضعیف حریم در خانه‌های امروزی، ساخت مشرف ساختمان‌ها نسبت به هم و حذف حیاط است.

به فضای خصوصی درون وجود داشته است. در حالی که این مسئله در معماری امروز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در گونه‌ی «درون‌گرا» از خانه‌های سنتی (گونه‌ای که در آن حداقل در دو جبهه‌ی حیاط توده‌ی ساختمانی قرار گرفته است)، جوهره‌ی اصلی فضای خانه، حیاط است و توده‌های اطراف بر مبنای تعریف حرائم و تمایز خلوت‌ها شکل می‌گیرد. در این گونه، برای ورود از معبر اصلی به داخل خانه اولاً در قریب به اتفاق موارد، ورود به خانه از معبر به فضای مسقف صورت می‌گرفته و نه از معبر به حیاط و دوم این‌که در این گذار تدریجی از فضاهایی به نام «در بند»، «سربند»، «هشتی» و «دالان» بهره گرفته می‌شده، و فضاهایی که جنبه‌ی خصوصی کمتری داشتند در ابتدای حیاط و فضاهایی که قلمرو خصوصی محسوب می‌شدند در انتهای خانه استقرار می‌یافتند. این عدم ارتباط مستقیم بین معبر و حیاط، فضای حیاط را به فضایی خصوصی و خانوادگی تبدیل می‌کرد و در نتیجه حیات در حیاط دمیده می‌شد. سلسله مراتب عبور و حضور علاوه بر حفظ محریمیت و امنیت، نتایج والاتر و عمیق‌تری نیز نهفته دارد. سلسله مراتب ورود و این نحوه‌ی تقرب و وصال، به نوعی طی طریق و درک مراتب حضور را به همراه دارد؛ بدین ترتیب که مکان تعریفی دارد و درک مکان مقدس با سلسله مراتب حضور و تفکر در طی طریق ممکن می‌گردد. در واقع ادراک حقایق و مفاهیم سکونت و هستی انسان درجات متفاوتی از درک و فهم را می‌طلبد. این سیر تدریجی فضاها تا رسیدن به فضای مقصد در یک جریان و گذر پیوسته، مخاطب را برای درک و وصل به مقصود مهیا می‌سازد و در نتیجه نظام ترتیب و توالی فضاها رشد و طلب و پذیرش کمال را معنا می‌بخشد. بدین ترتیب سلسله مراتب استقرار و ارتباط فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته در خانه مفاهیم سکوت، مکث، تخیل و تأمل را برای مخاطب قابل درک و فهم نموده و ارتباط درون انسان با عالم معنا را ممکن می‌سازد.

می‌شود. (فروم، 1360، ۱۱) همچنین دستیابی به مفاهیم انسانی سکونت لازمه احساس مثبت و آسایش در زندگی و امنیت روانی-اجتماعی است. (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸) امنیت، ابعاد مختلفی دارد و معیارهای متفاوتی برای دسته‌بندی آن نیز وجود دارد که فرصت پرداختن به تمامی آن‌ها در این مجال نیست. به هر صورت آنچه در این بخش به آن استناد شده دو گونه از مفاهیم امنیت است. به عقیده مصباح برای امنیت دو ساحت بیرونی و درونی ترسیم می‌گردد، که در ساحت درونی، معنویت و امنیت روحی-روانی و در ساحت بیرونی تحقق امنیت اجتماعی و مکانیزم عمل آن‌ها بر شمرده شده است؛ در ادامه بعد درونی یاد شده که بیشتر در رابطه با مفاهیم آرامش روحی و روانی است را در مسکن و بعد بیرونی و اجتماعی را که عموماً در مقیاس‌های جمعی قابل درک می‌باشد را در خصوص محله مورد شناسایی و تحلیل قرار داده‌ایم. (همایون مصباح، ۱۳۸۴: ۸۷)

۳-۳-۱- تضعیف نظارت مردمی و امنیت اجتماعی در محللات

دین از طریق آیین‌ها و مراسم، امنیت عاطفی و هویت و نقطه اتکای ثابتی برای انسان در بحبوحه‌ی ناسازگاری‌ها به بار می‌آورد. دین به انسان در شناخت خودش کمک می‌کند و باعث می‌شود که او احساس هویت کند. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۱۰) امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) در حدیثی فرموده‌اند: «بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنین در آن امنیت نداشته باشند.» همچنین امام صادق(ع) نیز در این باره فرموده‌اند: «سه چیز است که عموم مردم بدان نیازمندند: امنیت و عدالت و فراوانی نعمت.» (حسینی دشتی، ج ۲، ۱۳۸۵: ۵۲۳) اهمیت امنیت برای شهر و شهروندان به حدی است که خداوند تبارک و تعالی به هنگام قسم یاد کردن به شهر (مکه) آن را به صفت امین یاد می‌فرماید: «و هذا البلد الامین، و قسم به این شهر امن و امان» (مکه معظمه) (تین، ۸) (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۵) در اسلام

مشکل دیگر در طراحی ورودی خانه‌هاست، به گونه‌ای که با باز شدن در آپارتمان، تمام خانه هویدا می‌شود. چرا که عموماً فضای ورودی از طراحی نظام‌مند و سلسله‌وار برخوردار نیست؛ گرچه منظور ما از سلسله مراتب، روند نظام‌وار و پیچیده‌ی حرکت، مشابه خانه‌های سنتی درون‌گرا نیست، اما طراحان می‌بایست علیرغم مساحت کم خانه‌ها باز هم با تمهیداتی این مشکل را مرتفع سازند. این مشکل به گونه‌ای دیگر در ورودی و یا در پنجره‌ی اتاق‌های خواب نمود می‌یابد و تفکیک قلمرو خصوصی و عمومی را کم‌رنگ کرده است.

به هر صورت آرامش برای انسان با خلوت و حریم محقق می‌شود و این خانه است که باید حریمی برای ساکنانش باشد اما این خلوت باید به گونه‌ای باشد که فرد و خانواده، خود را تنها و جدای از دیگران و جامعه تلقی نکند، بلکه می‌بایست از یکسو خلوت و حرمت خانواده برای نیل به اهداف عالی‌اش چون تفکر، عبادت و کرامت انسانی مهیا گردد و از طرف دیگر خانواده خود را در محیط اجتماعی و در کنار همسایگان و در محله بازشناسد. بدین ترتیب خانه از فضایی روحانی و معنوی برخوردار می‌شود که محیط پرهیایو و پرمشغله‌ی بیرون را به جایگاهی امن، صمیمی و آرامش‌بخش مبدل می‌سازد. چنین محیطی از یک طرف بودن در کنار اعضای خانواده و درک حضور آن‌ها و برقراری رابطه‌ی صمیمانه را معنا می‌بخشد و از طرف دیگر پذیرش هم‌نوع و مهمان و برقراری تعادل میان شیوه و اسرار مختص به محیط خانوادگی و میزبانی از مهمان را تعریف می‌کند. به عبارت دیگر خانه فضایی است که حیات فردی و اجتماعی انسان را به یکدیگر پیوند می‌زند.

۳-۳-۲- تضعیف ابعاد مختلف امنیت و مفاهیم وابسته به آن در مسکن و محله امروز

مهمترین نیاز از نظر روحی امنیت است که به عنوان مهمترین هدف زندگی و جوهر سلامت روانی فرد تلقی

زیرساخت‌ها و نیازهای شهری، کیفیت محیط شهر و تقویت فعالیت‌های اجتماعی». (صارمی، ۱۳۹۰: ۱۱) همچنین به عقیده‌ی وی یکی از مهمترین اقدامات در جهت استقرار امنیت اجتماعی در فضاهای شهری سامان‌بخشی به فعالیت‌های اجتماعی در قالب خانواده، همسایه، محله و شهر است. (همان: ۱۶)

برای احیای امنیت در فضاهای محله‌ای و فرا محله‌ای، می‌بایست مراکز هویت‌بخش محللات با رویکردی فرهنگی، اجتماعی مجدداً شکل گرفته و حیات اجتماعی خود را به فضاهای شهری تسری دهند. برای جذب مردم به فضاهای اجتماعی شهر باید شاخص‌های امنیتی از جمله دسترسی امن پیاده، انجام مراسم آیینی و دینی و نظارت اجتماعی در فضای شهری رونق یابد. در این راستا، نهادهای مردمی چون شورای شهر، معتمدین محله و مساجد می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند و با ایجاد نظم عمومی و امنیت در محللات و به تبع آن در شهر، امنیت فضاهای عمومی شهر را سبب شوند. در واقع با رویکرد محله‌گرایی و با تسری آن در شهر می‌توان به برقراری امنیت و جاری ساختن حس امنیت در شهر کمک شایانی نمود. به عقیده‌ی صالحی دستاورد اجتماعی انسجام ساختار فضایی محله، انسجام اجتماعی و برقراری امنیت و نیز جلوگیری از رفتارهای ناهنجار و آنومی‌ک در هر یک از محللات می‌باشد. بدین ترتیب، ساختار فضایی محللات حداقل با مشخص بودن محدوده‌های ذهنی آن و نیز برخورداری از یک مرکز شکل گرفته و ساختار فضایی مشخص به افزایش احساس تعلق می‌انجامد و زمینه‌ی مناسبی برای کنترل و نظارت اجتماعی به وجود می‌آورد. (صالحی، ۱۳۸۷: ۶۵) به علاوه حاکمیت نظارت‌های خودجوش اجتماعی و وجود روابط چهره به چهره می‌تواند عوامل اصلی ایجاد امنیت در فضاهای عمومی محله و شهر محسوب گردد. در واقع این کیفیت سبب می‌شود که فرد احساس کند که مورد

مهمترین وظیفه‌ی رهبری، کنترل و زیر نظر داشتن امنیت اجتماعی شهر است. همچنین از مهمترین اهداف حکومت اسلامی، برقراری صلح و امنیت در شهر و ایجاد آرامش برای مظلومین است. (نهج البلاغه، ۱۳۷۶: ۳۵۷) دینی که مدعی تامین سعادت کامل انسان است، نمی‌تواند نسبت به اموری که در تامین رفاه و امنیت و استقلال نقش اساسی دارند، بی‌تفاوت باشد. (صارمی، ۱۳۹۰: ۹) با توجه به نمونه احادیث مذکور، امنیت اجتماعی در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار بوده و ابعاد گوناگونی دارد.

در نظام زیستی مسلمانان، ثبات زندگی اجتماعی و اشتراک شدید افراد در آداب و رسوم، عرف و سنت به عنوان موانعی موثر و بازدارنده برای رفتار مجرمانه محسوب می‌شد ولی با توسعه تمدن به مفهوم امروزی و صنعتی شدن جوامع و در نتیجه آن پیدایش شهرهای بزرگ و افزایش تراکم جمعیت آن‌ها، آداب و قوانین اخلاقی و اجتماعی قدرت دیرین خود را از دست داده‌اند. همچنین ناهمگونی اجتماعی زیاد، سبب سست شدن سیستم‌های کنترل غیر رسمی و در نتیجه فراهم شدن زمینه اشاعه آسیب‌های اجتماعی و پیدایش انواع ناهنجاری‌ها و بزه‌ها شده است. برعکس در محللاتی که همسایه‌ها در کنار یکدیگر سال‌ها زیسته‌اند و یکدیگر را می‌شناسند، کنترل بر فضاها آسان‌تر و به واسطه همین امر میزان جرم و ناامنی کمتر است. در تائید آنچه گفتیم انصاری معتقد است که همکاری و تعاون بین افراد محله و حمایت اجتماعی و اقتصادی آنان از همدیگر آنقدر بود که فقدان قوانین و مقررات برای تامین امنیت اجتماعی افراد را تا حد زیادی تامین می‌نمود. (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۹)

صارمی در بررسی‌های خود در خصوص دیدگاه قرآن مجید در پیاده‌سازی امنیت، چند عامل را در شکل‌گیری شهر امن موثر دانسته که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد. «زیباسازی، آموزش هدفمند، رعایت عدالت در اداره‌ی شهر، مسکن مطلوب، استحکام بخشی به

۳-۳-۲- فقدان امنیت و آرامش روحی در مسکن

امروز

آرامش اعضای خانواده کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بنیادین مسکن مطلوب است که توجه به آن ضرورت بنیادین مسکن مطلوب است. انسان از جهات بسیاری به آرامش نیازمند است، که این جهات ناشی از قلمروهای مختلف حیات انسانی است. انسان برای انجام عبادت نیازمند مکانی آرام است تا حضور قلب لازم برایش فراهم گردد. همچنین وجود فضای آرام، یکی از لوازم اصلی تفکر به عنوان فعالیت توصیه شده در اسلام است. (نقی زاده، ۱۳۹۱، ۴۴) بر این اساس شاید بتوان اصلی ترین کارکرد خانه را تامین آرامش و تسکین اعضای آن دانست که این مهم در سایه‌ی امنیت همه جانبه‌ی این محیط فراهم می‌شود. مسکن، فضایی امن و حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسرار و تامین نیازهای جسمی و روحی انسان است. آرامش در مفاهیم اسلامی و آموزه‌های قرآنی جایگاه ویژه‌ای دارد. به طوری که در اسلام، ایمان از ریشه «امن» به معنای آرامش جان و رهایی از هرگونه ترس، نگرانی و اندوه گرفته شده است. این سکونت و آرامش را خداوند به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: و الله جعل لکم من بیوتکم سکنا: خداوند از خانه‌های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد. (نحل، ۸۰)

در اسلام و قرآن تاکید ویژه‌ای بر اهمیت خانه برای کسب آرامش و امنیت روحی شده است. مهمترین نتیجه‌ی آرامش، صمیمیت محیط و لطافت زندگی جاری در خانه‌ی اسلامی، تامین نیازهای روحی- روانی ساکنان چون عبادت و تفکر بوده است. در معماری خانه‌های سنتی ایران فارغ از هر دوره و اقلیمی، آرامش عنصر اصلی زندگی بود. گرچه این آرامش و امنیت روانی در اقلیم‌ها و فرهنگ‌های مختلف با تمهیدات گوناگونی برآورده می‌شود، لیکن در تمامی موارد پرداختن به این مقوله از اهداف اصلی طراحی خانه‌ی ایرانی- اسلامی بوده است.

توجه عناصر محیط قرار گرفته، به عبارت دیگر مخاطب فضا برداشتی حاکی از قائل شدن اهمیت از سوی محیط بر وی خواهد داشت و در نتیجه در ذهن مخاطب نوعی امنیت ذهنی شکل گرفته و در نهایت آرامش و امنیت بر فضا حاکم خواهد شد. در این راستا تدوین چارچوب منظم تعاملات اجتماعی و برنامه‌ریزی مسئولان برای شکل‌گیری مناسبات و برقراری مراسم و فعالیت‌های محلی و شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شاید بتوان اقدامات موثر در بهبود امنیت محللات را در موارد زیر خلاصه کرد.

- افزایش روابط اجتماعی در محله و تقویت حس همبستگی و وفاق محلی در میان ساکنان محله.
- ایجاد فضاهای اجتماعی متنوع برای تجمع و تعامل بهتر ساکنان.
- استقرار کاربری‌های فعال محلی که در طول روز و تا پاسی از شب نیز قابلیت برقراری فعالیت را داشته باشد. مانند مساجد، کتابخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی، ورزشی و تفریحی و همین‌طور جریان داشتن فعالیت‌های تجاری محله.
- ایجاد جذابیت‌های بصری و حذف آلودگی‌های محیطی برای ترغیب ساکنان محل به حضور در فضاهای عمومی محله.
- افزایش دید بصری خانه‌ها و سایر ابنیه محل به فضاهای باز محلی.
- توجه به خوانایی و تعریف هویتی محللات و تاکید بر اشتراکات و آداب محلی برای تقویت حس تعلق ساکنان به فضاهای محلی.
- جلوگیری از بروز اختلاف سطح کیفی زندگی در محللات با همسان‌سازی امکانات در محللات مختلف سطح شهر که از عوامل اصلی ثبات زیستی و افزایش دوران سکونت و تقویت حس تعلق به محله خواهد بود.

مانند وجود داشته باشد، بسیار کوچک و بدون کارکرد و بی بهره از عناصر کیفیت بخش حیاط است. اگر حیاطی باغچه و حوض و سایر عناصر را هم داشته باشد، باز به علت عمومی و مشاع بودن، از آن کیفیت فضایی و جریان پرنشاط حیات جاری در حیاط خانه‌های سنتی بی بهره است. این نقصان در فضا سازی حیاط خانه‌های امروز باعث کم نشاطی و افسردگی ساکنان شده و ارتباط با عناصر طبیعی و فضای سبز و شادابی حاصل از آن را به حداقل می‌رساند.

نتیجه گیری

مقاله حاضر با عنوان «بررسی تبعات بی توجهی به هویت اسلامی در ساخت مسکن و محللات مسکونی»، ضمن بازاندیشی در مفاهیم ارزشمند سکونت در خانه و محله اسلامی با هدف تحلیل آثار و تبعات منفی و مخرب بی توجهی به هویت اسلامی در شهر سازی معاصر و در جهت بهبود سکونت امروز نگاه شده است. بر این هدف، ابتدا مقاله به مفاهیم هویت اسلامی از یک سو و از سوی دیگر به تعاریف و مشخصه‌های مسکن و محله در شهر اسلامی پرداخته؛ در ادامه سعی بر این بوده تا با آسیب شناسی معماری و شهر سازی در چند دهه اخیر، نتایج بی توجهی به هویت دینی و آموزه‌های شهر سازی اسلامی تحلیل و رهیافتی برای برون رفت از آسیب‌ها ارائه دهد. بر این اساس از جمله مهمترین آثار منفی عدم توجه به هویت اسلامی در مسکن و محله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- کم رنگ شدن حس تعلق و مفهوم هویت و اصالت در مسکن و محله
- ۲- تضعیف مفهوم حریم و سلسله مراتب فضایی در مسکن و محللات مسکونی
- ۳- بی توجهی به ابعاد مختلف امنیت و مفاهیم وابسته به آن در مسکن و محله

در آیه ۳۵ سوره مبارکه بقره سکونت گاه اولیه بشر باغی با ویژگی‌هایی چون آرامش و زندگی مطبوع معرفی می‌شود. در اقلیم گرم و خشک، حیاط وسیع همراه با باغچه و گل و حوض آب که نماد پاکی، روشنی و تقدس به شمار می‌آید، موجب تلطیف روحیه و نشاط و شادابی افراد شده و آرامش را در فضا برقرار می‌ساخت. آب در این معماری، عنصری والا بوده و مظهر حیات و پاکی محسوب می‌شده است. آب جاری بدون سیستم لوله کشی امروزی از خانه‌ها می‌گذشت و طراوت، حیات و آرامش را سبب می‌شد. در حیاط این خانه‌ها روزها مملو از نشاط و طراوت بود و شب‌ها محملی برای سیر در آفاق و آسمان‌ها و درک عظمت هستی و قدرت قادر لایزال آن. در این نظام زیستی، هم عناصر طبیعی و هم کالبد معماری در جهت تسکین و آرامش به کار می‌رفتند و علاوه بر آن، خانواده در درجه اول و سپس اقوام و سایر دوستان و آشنایان همه تسکین بخش روحی و معنوی یکدیگر بودند. این خانه‌ها حریمی مقدس و حیاتی معنوی داشتند. در آن دوران حتی مصالح به کار رفته در ساخت، چون خشت و گل و خاک همساز با طبیعت و روح انسانی و همسو با آرامش بشر بود نه چون فولاد و بتن و سیمان سخت و بی روح و خشن.

محیط زندگی در عین حال که می‌تواند عامل مؤثری در کاهش فشارهای روانی و برقراری آرامش باشد، می‌تواند به عاملی تشدید کننده نیز تبدیل شود. بشر امروز علیرغم پیشرفت در سایه‌ی علم و تکنولوژی، از جهت روحی و روانی در نگرانی و پریشانی غوطه‌ور بوده و در خانه‌هایی زندگی می‌کند که احساس تعلق، آرامش و امنیت روانی در آن‌ها کاهش یافته است. زندگی در خانه‌های آپارتمانی و مجتمع‌های زیستی که به شیوه‌ی امروزی ساخته می‌شود آمیخته با بسیاری تنش‌ها و ناآرامی‌هاست. در خانه‌های آپارتمانی امروز یا اصلاً حیاطی وجود ندارد یا اگر هم فضایی به اصطلاح حیاط

- ۹- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۷۵). هویت و این همانی با فضا. صفا. صفا (۲۱ و ۲۲): ۱۰۶-۱۰۰. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳. تهران: انتشارات شهیدی.
- ۱۱- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۲). نهج الفصاحه. تهران: انتشارات جاویدان
- ۱۲- پیربایی، محمدتقی و سجادزاده، حسن (۱۳۹۰). تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی. باغ نظر (۱۶): ۱۶-17-28.

- ۱۳- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۲). آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- ۱۴- تولایی، نوین، (۱۳۷۱)، فضای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران: دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- ۱۵- حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۸۵). فرهنگ معارف و معاریف. ج ۲. تهران: انتشارات آرایه.
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۶). لغت نامه، جلد ۹. تهران: انتشارات سیروس.
- ۱۷- رهنمایی، محمدتقی و فرهودی، رحمت الله و قالیباف، محمدباقر و هادی پور، حلیمه خاتون. (۱۳۸۶). سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران. نشریه انجمن جغرافیایی ایران. شماره ۱۲ و ۱۳. سال پنجم، ۱۹-۴۳
- ۱۸- رهنمایی، محمدتقی و پورموسوی، سیدموسی. (۱۳۸۵). بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلان‌شهر تهران، بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری. نشریه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۵۷: ۱۹۳-۱۷۷.

اعتقاد ما بر این است که شهرسازی معاصر می‌تواند بر پایه آموزه‌های اسلام و با به کارگیری اصول حاکم بر مسکن و محللات و تبلور مفاهیم سکونت در شهر اسلامی، کیفیت فضایی خانه و محله را ارتقاء و رفتارهای اجتماعی را بهبود بخشد، به تعبیر دیگر ساخت، توسعه و برنامه‌ریزی در مقوله مسکن و محللات با تبعیت از تعالیم اسلامی سکونت و توجه به مفاهیم انسان‌مداری و محله‌محوری در شهر می‌تواند اساس توسعه متوازن و پایدار شهری و عامل ارتقای کیفیت زندگی را سبب شود.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- احمدی، حمید. (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی. تهران: نشر ارتباطات اسلامی.
- ۳- اسماعیلی، شبنم السادات، (۱۳۹۰)، محله و شیوه زندگی قشر متوسط در کلان‌شهر تهران، نشریه اندیشه ایرانشهر، سال پنجم، شماره ۱۴-۱۵: ۴۲-۵۰
- ۴- انصاری، ابراهیم، (۱۳۸۱)، جایگاه اجتماعی محله در شهرهای اسلامی با تاکید بر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، شماره ۱: ۱۵-۲۶.
- ۵- براتی، ناصر. (۱۳۸۲). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی. فصل‌نامه خیال (۸): ۲۴-۵۵. تهران: فرهنگستان هنر.
- ۶- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۷۸). مسکن از دیدگاه قرآن کریم. دومین جشنواره مهندسی ساختمان: 61-60. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی
- ۷- بهزاد فر، مصطفی. (۱۳۸۷). هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: موسسه نشر شهر.
- ۸- پارسی، حمید رضا، (۱۳۸۱)، شناخت محتوای فضای شهری، مجله هنرهای زیبا، (۱۱): ۴۹-۴۱

- ۱۹- سلطان زاده، حسین. (۱۳۸۵). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. با همکاری شهرداری تهران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲۰- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۵). مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی. تهران: نشر آبی
- ۲۱- شکوئی، حسین، (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ دوم
- ۲۲- شیخی، محمد، (۱۳۸۲)، ساختار محله‌ای شهر در سرزمین‌های اسلامی، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۹: ۶۸-۲۲
- ۲۳- صارمی، حمیدرضا و صارمی، مسعود، (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۷: ۱۸-۷
- ۲۴- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی و معماری.
- ۲۵- ضرابی، اصغر و علی نژاد طیبی، کاووس، (۱۳۸۹)، تحلیلی بر عناصر کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی، کتاب ماه هنر ۱۴۳: ۲۷-۱۶
- ۲۶- فروم، اریک، (1360) جامعه سالم، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: انتشارات بهجت
- ۲۷- قالیباف، محمدباقر و پور موسوی، سید موسی. (۱۳۹۰). نقش هویت و بیداری اسلامی در شکل‌گیری تحولات اخیر خاور میانه. فصل‌نامه‌ی مطالعات بیداری اسلامی، سال اول. شماره (۲): ۱۳۹-۱۱۹.
- ۲۸- قرایی، فریبا و رادجهانبانی، نفیسه و رشیدپور، نازیلا، (۱۳۸۹)، بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری، (نمونه موردی، مناطق ۲ و ۱۱ تهران)، نشریه آرمایش، شماره ۱۳: ۱۳۹-۱۱۹.
- ۲۹- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۶۸)، شهرهای ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۳۰- کوثری، مسعود. (۱۳۸۶). توسعه فرهنگی تهران (برنامه ریزی محلی). تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران
- ۳۱- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر. حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۲- لینچ، کوین، (۱۳۷۴)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۳- معین، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ معین. ج ۴. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۴- نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.
- ۳۵- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۵). تأملی بر روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی. هنرهای زیبا (۲۵): ۲۴-۱۵. تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۶- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو اسلامی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۳۷- نقی زاده، محمد، (۱۳۷۹) صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم، نشریه‌ی صحیفه‌ی مبین (۲۲): ۴۰-۴
- ۳۸- نقی زاده، محمد، (۱۳۹۱)، تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۰: ۵۴-۳۸
- ۳۹- وثیق، بهزاد و پشوتنی‌زاده، آزاده. (۱۳۸۹). مفاهیم سکونت در آیات و روایات اسلامی. نشریه‌ی مسکن و محیط روستا. (۱۲۹): ۵۰-۶۵

۴۱- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین.
ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: مؤسسه فرهنگی
انتشاراتی تبیان.

۴۰- همایون مصباح، سید حسین، (۱۳۸۴)، امنیت
روانی، اقتصادی و اجتماعی، نشریه فلسفه، کلام
و عرفان «اندیشه حوزه»، شماره ۵۵: ۸۷-۱۱۰

Study of the role the Islamic identity in the formation of housing and residential neighborhoods

Abstract

According to the history of architecture and urban planning, housing and residential neighborhoods in addition body has concepts and great meanings. Islamic housing, in addition to responding to material requirements, has the mission to establish spiritual peace and pave ground for responding to spiritual needs of human, including security, thinking, worship and social life and Individual behaviors related to social behavior was defined. However, due to the effects of modern life and the changes in human behavior, damage and malicious of housing and neighborhoods living concepts that affect and degrade. This article reviews the concepts of the value of life in housing and neighborhoods, then effects and consequences of disregarding the Islamic identity in contemporary urban design study and analysis and ways to enhance the concept of the sublime housing will offer. Research method is combination of interpretive - historical and causal with the description and analysis is presented. As a result, several factors has caused the decline in the quality of urban living in recent years, Such that it can be fading authenticity and sense of attachment to the house and neighborhood and disregard for the privacy of housing and the lack of security and peace of mental in housing in the neighborhood noted.

Keywords: Islamic identity, housing, neighborhoods, Islamic urbanism, Residence